

دانشنامه حقوق کیفری انگلستان

دکتر نسرين مهرا

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

و

عضو کمیته علمی انجمن بین المللی حقوق جزا



نشر میزان

سرشناسه : مهر، نسرين، ۱۳۳۸-
 عنوان و نام پديدآور : دانشنامه حقوق كيفري انگلستان / نسرين مهرا
 مشخصات نشر : تهران: نشر ميزان، ۱۳۹۲
 مشخصات ظاهري : ۳۳۶ ص.
 فروست : علوم اجتماعي: ۷۰۹.
 شابک : 978-964-511-508-9
 وضعيت فهرست نويسي : فبيا
 موضوع : حقوق جزا -- دايرة المعارفها
 موضوع : حقوق جزا -- اصطلاحها و تعبيرها
 رده بندي كنكره : K ۵۰۱۲/۶/م ۹۵۲
 رده بندي ديوي : ۳۲۵/۰۰۶
 شماره كتابشناسي ملي : ۳۲۲۶۷۱۷

هرگونه تكثير (اعم از چاپ، آبي، آليا، الكترونيكي و...) از اين اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و به موجب قانوني دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن هاي ذيل اطلاع دهيد.

۷۰۹

نشر ميزان
 دانشنامه حقوق كيفري انگلستان

دكتر نسرين مهرا

چاپ اول: پاييز ۱۳۹۲

قيمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۵۰۸-۹

دفتر مركزي: خ شهيد بهشتي، بعد از چهارراه سهروردي، خ كاوسي فر، كوچه تكيسا، پلاك ۳۲، تلفن ۸۸۵۳۹۱۳۱
 فروشگاه مركزي: خ انقلاب، روبروي درب اصلي دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازي، پلاك ۸۳، تلفن ۶۶۳۶۷۷۷۰
 واحد پخش و فروش: خيابان سميّه، بين مفتح و فرصت، پلاك ۱۰۲، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱
 وب سايت: www.mizan-law.ir پست الكترونيكي: mizannasher@yahoo.com

فہرست مطالب

۷	پیشگفتار	
۹	مقدمہ: مروری بر نظام عدالت کیفری انگلستان	
۴۵		A
۸۵		B
۹۳		C
۱۵۹		D
۱۷۹		E
۱۸۷		F
۱۹۵		G
۱۹۷		H
۲۱۳		J
۲۲۷		K
۲۲۹		L
۲۳۳		M
۲۴۱		N
۲۴۳		O
۲۴۵		P
۲۹۱		Q
۲۹۳		R
۲۹۹		S

۳۱۳.....	T
۳۱۷.....	U
۳۱۹.....	V
۳۲۳.....	W
۳۳۱.....	Y

www.ketab.ir

حقوق امروزه مانند بسیاری دیگر از نهادهای اجتماعی امری فراسرزمینی و جهانی است. بسیاری از واژگان و تاسیسات حقوقی از خاستگاه سرزمینی خود مهاجرت کرده و وارد نظامهای حقوقی دیگر در سایر کشورها میشوند. به این ترتیب نظامهای حقوقی - قضایی با وام گرفتن از یکدیگر هوشمندتر و کارآمدتر میشوند. اما هر اقتباس و پیوندی در عالم حقوق و قضا تنها زمانی موفق و مفید فایده است که مسبوق به درک درست و صحیح از نهاد و تاسیس مورد اقتباس باشد. مطالعات و پژوهشهای مقایسه‌ای در حقوق از ابزارهای رایج و جا افتاده رسیدن به چنین درک و شناختی است.

بهترین روش در انجام مقایسه‌ای مراجعه به دانشنامه‌ها، دایره‌المعارف و یا واژه‌نامه‌های تخصصی است. پژوهشگر با مراجعه به این منابع شناختی ابتدایی و نخستین از موضوع مورد مطالعه بدست می‌آورد. در ادبیات حقوقی فارسی دانشنامه و واژه‌نامه‌های تخصصی اندکی تا کنون انتشار یافته است. این در حالیست که با توجه به تخصصی‌تر شدن روز افزون حقوق و تولد شاخه‌های جدید حقوقی ضرورت انتشار چنین واژه‌نامه‌هایی بیش از پیش احساس میشود.

حقوق کیفری کامن لا به صورت سستی ترکیبی است از مجموعه‌ای از رویه‌های قضایی، که به صورت یک سیستم نانوشته در کشور انگلستان و سایر کشورهای وابسته به این نظام حقوقی شکل گرفته و به حیات خود ادامه می‌دهد. همراه با گرایش‌های نوین به سمت نظام حقوق نوشته که ظهور مجموعه‌ای از قوانین مدون در این نظام حقوقی را موجب گردیده است. گرچه تفاوت‌های ساختاری کامن لا با سایر نظام‌های حقوقی، بویژه نظام حقوقی رومی ژرمنی متعدد و فراوان است، با این حال به صورت خلاصه می‌توان گفت آنچه که این نظام را از نظام حقوقی رومی ژرمنی و سیستم‌های حقوقی تابع آن متمایز می‌کند به طور کلی شاخص‌هایی را در بر می‌گیرد که تفاوت نظام اتهامی را در برابر سیستم تفتیشی به نمایش می‌گذارد.

گرچه سیستم حقوقی ایران از حیث ساختاری بیشتر با نظام حقوقی رومی ژرمنی شباهت‌سازی شده است، با این حال تأثیرات حقوقی بسیار کامن لا بر نظام‌های دادرسی مختلف بویژه بر ساختارهای دادرسی‌های بین‌المللی که به صورت خاص در محاکم کیفری بین‌المللی موردی و دادگاه کیفری بین‌المللی نمود می‌یابد، بویژه در عصر

جهانی شدن حقوق کیفری، خواه در جنبه ماهوی و شکلی، چاره‌ای جز آشنایی با ساختارها و مفاهیم حقوقی این نظام برای دانش‌جویان و دانش‌آموختگان حقوق و علاقمندان به این حوزه باقی نمی‌گذارد. به علاوه که رجوع به منابع فقهی به عنوان منابع غیر مدون در سیستم حقوقی ایران از بسیاری از جهات مشابهت‌هایی را با کامن لا به تصویر می‌کشد.

مجموعه حاضر، حاصل سالهای طولانی تدریس توسط نگارنده در دانشگاههای مختلف کشور در سطوح تحصیلات تکمیلی است و با هدف تامین نیاز بخشی از جامعه حقوقی کشور و تسهیل انجام مطالعات مقایسه‌ای، که هر روز بر شمار آنها افزوده می‌شود، و نیز در اختیار قراردادن برابر - نهادهای صحیح و شناخت نهادهای و تاسیسات نظام عدالت کیفری انگلستان نگارش شده است. در نگارش این دانشنامه از کتب درسی حقوق در انگلستان و نیز واژه‌نامه‌های تخصصی مختلف بهره گرفته شده است.

توضیح برخی واژگان از حد معمول در یک واژه‌نامه فراتر رفته و تبدیل به مقاله‌ای درباره مفهوم مورد واکاوی شده است. این امر در مورد واژه‌ها و نهادهایی اتفاق افتاده است که قرابت کمتری به نظام حقوقی ایران دارند و شناخت آنها برای تربیت یافتگان نظام حقوقی ایران کمی دشوارتر مینماید.

امید آنکه این دانشنامه، اسباب آشنایی بهتر با نظام عدالت کیفری انگلستان را فراهم آورد و تجارب اندوخته و درسهای آموخته این نظام عدالت، که در عین تفاوت‌های بسیار، شباهتهای قابل توجهی نیز با نظام حقوقی ما دارد، را در اختیار حقوقدانان، قضات و پژوهشگران ایرانی قرار دهد.

در پایان لازم است از زحمات بیدریغ آقای دکتر نوروز کارگری در گردآوری نهایی مطالب این کتاب و همچنین از آقای دکتر امیر ایروانیان، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات شیراز که ویراستاری نهایی این اثر را بعهده گرفتند، تشکر و قدردانی نمایم. البته، کاستیهای این کتاب همگی متوجه نگارنده است.

دکتر نسرين مهرا

تهران، مرداد ماه ۱۳۹۲

مروری بر نظام عدالت کیفری انگلستان

تفاوت‌های موجود در چگونگی تحول نظام حقوقی کشورهایی که پادشاهی متحده بریتانیا^۱ را تشکیل می‌دهند، ایجاب می‌کند که هر یک از آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند: یعنی از سویی، انگلستان و ویلز و از سوی دیگر، اسکاتلند و ایرلند شمالی، نوشته حاضر تنها به بررسی مختصری از نظام عدالت کیفری انگلستان و ویلز، جهت رسیدن به یک تاریخچه و نمایی کلی از آن، می‌پردازد.

در سال ۱۹۹۱، از ۵۵/۵ میلیون نفر جمعیت کل پادشاهی متحده، ۵۰ میلیون نفر در انگلستان و ویلز زندگی می‌کردند. تقریباً $\frac{1}{3}$ از جمعیت کل در مناطق شهری که ۱۴ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد، مستقر هستند.

طبق آمارهای دهه پایانی قرن گذشته ۱۶/۹ درصد جمعیت بریتانیای کبیر (انگلستان و ویلز و اسکاتلند) به گروه‌های قومی اقلیت تعلق دارند که اندکی بیش از $\frac{1}{3}$ آنها از «آنتیل»^۲، «گویان»^۳، هند یا پاکستان می‌باشند. اکثریت مهاجرانی که از کشورهای مشترک‌المنافع^۴ آمده‌اند در مراکز بزرگ انگلستان استقرار یافته‌اند. در سال ۱۹۹۱ به طور متوسط ۸/۳٪ از جمعیت فعال در انگلیس و ویلز بیکار بوده‌اند.

۱- تاریخچه تحولات حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری

خاستگاه‌های نظام حقوقی کنونی انگلستان و ویلز به قرن دوازدهم، یعنی به زمان رشد سریع نهادهایی که به دنبال فتح انگلستان به وسیله «دوک نورماندی»^۵ در سال ۱۰۶۶ ایجاد شد، باز می‌گردد. نظام‌های حقوقی که تا آن زمان در ۳۲ استان^۶ تشکیل

-
1. United Kingdom
 2. Antilles (West Indian)
 3. Guyanese
 4. Common wealth countries
 5. Duke of Normandy
 6. Counties

دهنده انگلستان وجود داشت، در جزئیات مربوط به آیین دادرسی نسبت به یکدیگر متفاوت بودند.

برخلاف سایر کشورهای اروپایی که حقوق روم اساس حقوقی آنها را تشکیل می‌داد، نظام حقوقی انگلستان موسوم به «حقوق عرفی» یا «کامن لا»^۱ به طور مستقل و متفاوتی نسبت به آنها متحول می‌شد. دو دادگاه اصلی، اساس این نظام حقوقی را تشکیل می‌داد: «دادگاه عوام»^۲ و «دادگاه شاهی»^۳.

در کنار تحولات و تغییرات ساختاری در دادگاهها، حرفه‌های مربوط به اقدامات قضایی نیز متحول گردیده و گسترش یافتند. در حدود سال‌های ۱۲۰۰، طبقه‌ای از حقوق‌دانان حرفه‌ای به وجود آمدند که مجاز بودند به عنوان نماینده موکلین خود در جریان محاکمه حضور پیدا کنند. در عین حال این سیستم یک نظام متمرکز بود که می‌بایست با ضرورت انجام تحقیقات و محاکمه محلی منطبق گردد. در این زمان با توجه به مشکلات عملی، دادگاه‌های کامن لا^۴ به وجود آمدند که به نوبه خود با تأسیس دادگاه‌های جزا^۵ در ۱۹۷۲ متحول گردیدند.

در ویلز نظام حقوقی مستقلی به وجود آمده و تحول یافته بود، و حتی پس از اشغال این کشور به وسیله «دوآرد اوئل» پادشاه انگلستان در سال ۱۳۰۴، هیچ کوششی در جهت جایگزین کردن حقوق انگلستان به جای این نظام حقوقی مستقل صورت نگرفت. سرانجام در سال ۱۵۳۵ بود که حقوق ویلز در چهارچوب حقوق عرفی انگلستان ادغام گردید.

در اسکاتلند نیز نظام حقوقی‌ای در حال تحول بود که اساس آن را حقوق روم تشکیل می‌داد. پس از ادغام پارلمان‌های اسکاتلند، انگلستان و ویلز در سال ۱۷۰۷، هیچ کوششی در جهت ادغام دو نظام حقوقی انگلستان و اسکاتلند صورت نگرفت، به طوری که حتی امروز این دو نظام در کنار هم به طور مستقل به حیات خود ادامه می‌دهند.

-
1. Common Law
 2. Commons Bench
 3. Kings Bench
 4. Common law courts
 5. Crown Court

صرف‌نظر از حقوق اسکاتلند و ایرلند شمالی که مجال بحث آن در این نوشتار وجود ندارد، حقوق انگلستان و ویلز را می‌توان از دو جنبه به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد: حقوق عرفی و حقوق نوشته.

الف. حقوق عرفی

حقوق عرفی مرکب است از قواعد عمومی عرفی‌ای که از دیرباز به عنوان قانون نانوشته کشور تلقی می‌گردیده است. بعضی قواعد مربوط به سلوک و رفتار، با توافق عمومی و اعمال آنها در دادگاه‌ها از طریق آداب و رسوم به قانون تبدیل می‌شدند، و جرایم ایجاد شده در چهارچوب این قوانین «جرایم عرفی» نامیده می‌شدند. از جمله این موارد می‌توان به ایجاد ترس و وحشت بین مردم و توطئه برای ارتکاب جرم اشاره کرد. یک بخش مهم از حقوق عرفی، رویه قضایی محسوب می‌شود که مبتنی است بر سوابق قضایی تاریخی.

ب. حقوق تقنینی یا حقوق ناشی از قانون‌گذاری^۱

این حقوق که به حقوق نوشته موسوم است عبارت است از کلیه قوانینی که با دستور مستقیم دولت در قالب «قوانین پارلمان»^۲ (قوانین مصوبه یا نوشته) تصویب می‌شوند یا قوانینی که در چهارچوب اختیارات پیش‌بینی شده به وسیله این قوانین وضع می‌گردند. بسیاری از جرایم عرفی را قوانین مصوبه نیز در خود پیش‌بینی کرده‌اند، بنابراین یک جرم همزمان می‌تواند یک جرم عرفی و یک جرم تقنینی باشد. سایر مراجع نظام عدالت کیفری خاستگاه جدیدتری نسبت به دادگاه‌ها یا سایر حرفه‌های حقوقی دارند.

پلیس و سازمان زندان‌ها در مقیاس ملی در قرن گذشته به وجود آمدند، اداره تعلیق مراقبتی^۳ در اوایل قرن حاضر و تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)^۴ در سال ۱۹۸۶ ایجاد شدند.

تشکیلات فعلی آنها در نوشته حاضر به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-
1. The Statute Law
 2. Acts of Parliament
 3. Probation Service
 4. Crown Prosecution Service

۲- تشکیلات عدالت کیفری

الف. دولت

سه سازمان دولتی و رسمی در انگلستان و ویلز مسئولیت عدالت کیفری را به عهده دارند؛ وزارت کشور، وزارت دادگستری و اداره دادستانی سلطنتی.

وزارت کشور

این وزارتخانه به مسائل مربوط به حقوق جزا، پلیس، زندان‌ها و اداره تعلیق مراقبتی می‌پردازد. وزیر کشور مسئولیت کلی امنیت ملی را نیز به عهده دارد.

وزارت دادگستری^۱

وزارت دادگستری به مسائل مربوط به قوه قضائیه می‌پردازد و دادگاه‌های عالی (از جمله دادگاه جزا) و دادگاه‌های صلح را اداره می‌کند و مسئول معاضدت قضایی نیز می‌باشد.

وزیر دادگستری که عالی‌رتبه‌ترین مقام در سیستم قضایی است، مسئولیت‌های زیر را دارد:

و سنخگوی مجلس اعیان^۲ می‌باشد.

اداره دادستانی سلطنتی

اداره دادستانی سلطنتی به طور مستقل مسئول امر تعقیب تقریباً کلیه اعمال مجرمانه‌ای است که پلیس راجع به آنها شروع به تحقیق نموده است.

این تشکیلات در رأس خود DPP^۳ (رئیس دادسرا) را دارد که خود زیر نظر دادستان کل انجام وظیفه می‌کند.

ب. کمیته‌های عدالت کیفری

گزارش قاضی «گورد وولف»^۴ بر این واقعیت تاکید کرده است که میان مراجع عدالت کیفری، به میزان اندکی همکاری محلی وجود دارد. این موضوع در گزارش مزبور منجر به تشکیل «شورای مشورتی عدالت کیفری» و نیز تشکیل ۲۴ کمیته منطقه‌ای در سال ۱۹۹۲ گردید که در چهارچوب آنها مسائل مبتلا به در بیش از یک مرجع قابل طرح و بررسی است.

1. Lord Chancellor's Department

2. House of Lords

3. Director of Public Prosecution

4. Lord woolf

اعضای این کمیته‌ها عبارتند از نمایندگان عالی رتبه پلیس، اداره‌های تعلیق مراقبتی، تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)، سازمان زندان‌ها، قضات، قضات دادگاه صلح و وکلا. قوه قضائیه ریاست شورای مشورتی و «کمیته‌های منطقه‌ای» را به عهده دارد.

ج. پلیس

در انگلستان و ویلز حدود ۱۲۸۰۰۰ مأمور پلیس اعم از افسر، درجه‌دار و پاسبان وجود دارد که همگی آنها متعلق به ۴۳ واحد هستند. ۴۱ واحد از آنها (به استثنای منطقه لندن) مسئول مستقلاً در رأس خود دارند که در مقابل یک مقام محلی پلیس یا کمیته پلیس، مشکل از شماری از متخین محلی (از جمله قضات دادگاه صلح محلی)، پاسخگو می‌باشند. در پلیس مرکزی^۱ (که لندن و حومه را در برمی‌گیرد)، کمیسر اصلی پلیس مرکز، به لحاظ اختیارات وسیعی که در زمینه امنیت دارد، مستقیماً در مقابل وزیر کشور مسئول می‌باشد.

در نهایت اینکه کمیسر اصلی پلیس شهر لندن در مقابل شورای عمومی شهر لندن پاسخگو می‌باشد.

علاوه بر اعضای پلیس، بر اساس آمار سال ۱۹۹۲ حدود ۵۲۰۰۰ کارمند عادی در واحدهای پلیس به کار اشتغال دارند، حدود ۵۰۰۰ تن از آنها مسئول صدور برگ جریمه برای توقف غیر مجاز وسایل نقلیه می‌باشند. تعداد بسیاری از آنها، به ویژه در شهر لندن، به وسیله شهرداری‌های محلی به این کار گمارده می‌شوند.

اداره بازرسی، تحت مدیریت رئیس کل بازرسی پلیس، وظیفه بازرسی مرکزی واحدهای پلیس را در وزارت کشور به عهده دارد. تعدادی مراجع خاص مسئول اجرای قانون نیز به منظور مبارزه علیه جرائم خاص، که غالباً با هم مرتبط هستند، ایجاد شده‌اند: برای مثال واحدهای منطقه‌ای مبارزه با جرائم^۲ واحد مبارزه با کلاهبرداری‌های بزرگ،^۳ واحد ملی اطلاعات پیرامون مواد مخدر و واحد ملی اطلاعات پیرامون فوتبال.^۴ مسائل ناشی از جرائم ارتكابی در قطارها و ایستگاه‌های قطار در صلاحیت پلیس

1. Metropolitan Police

2. Regional Crime Squads

3. Serious Fraud Squad

4. National Football Intelligence Unit

وضیح اینکه بازی فوتبال به عنوان یک ورزش محبوب مردم انگلستان دارای طرفداران و باشگاه‌های زیادی در این کشور است. بازی‌ها و مسابقات فوتبال غالباً همراه با خشونت و منجر به زد و خورده میان طرفداران ←

حمل و نقل^۱ انگلستان است. یک واحد مستقل، مسئول امنیت موسسات تابعه وزارت دفاع است. علاوه بر آن، تعدادی واحدهای کوچک پلیس نیز وجود دارد که قانون آنها را به عنوان «نیروهای انتظامی اختصاصی» ایجاد نموده است؛ برای مثال پلیس پارکهای سلطنتی.^۲ این نیروها دارای اختیارات محلی مشخص و معینی هستند.

د. دادگاهها

در سال ۱۹۷۲ به دنبال تصویب قانون راجع به دادگاهها، دادگاههای کامنلا^۳ و دادگاههای کیفری^۴ حذف شدند و به جای آنها فقط دادگاههای جزا^۵ با صلاحیت ملی که می توانند در هر جای انگلستان و ویلز به قضاوت پردازند، ایجاد گردیدند. دادگاههای اخیر از نظر سازمانی جزو دادگاه مافوق^۶ محسوب می شوند.

صلاحیت دادگاه جزا از یک سو، رسیدگی به جرائم و محاکمه مجرمینی است که پرونده آنها همراه با کیفرخواست^۷ به این دادگاه ارسال شده است و از سوی دیگر، تعیین مجازات برای اشخاصی است که برای تعیین مجازات از سوی دادگاه صلح به این دادگاه اعزام شده اند، و بالاخره دادگاه جزا نقش مرجع فرجامی را نیز برای تصمیمات دادگاههای پایین تر، از جمله موارد مربوط به صفار، ایفاء می کند.

قانون مزبور هیچ گونه محدودیت جغرافیایی در مورد منطقه ای که دادگاههای جزا می باید نسبت به آن صلاحیت داشته باشد، به وجود نیاورده است، حدود استان و شهرستان^۸ هیچ اهمیت حقوقی برای محلی که محاکمه باید در آنجا صورت پذیرد، ندارد. در عمل اکثریت پرونده هایی که دادگاه جزا باید به آن رسیدگی کند، با توجه به وضعیت جغرافیایی دادگاه صلحی که پرونده را ارسال داشت است، در مناسب ترین محل رسیدگی و استماع می شود.

→ تیم های حریف می شود. لذا پلیس این کشور واحد ویژه ای را به منظور مبارزه و پیش گیری از خشونت های همراه یا ناشی از مسابقات فوتبال در سازمان پلیس ایجاد نموده است.

1. British Transport Police
2. Royal Parks Police
3. The Courts of Assize
4. Quarter Sessions
5. Crown Court
6. The Supreme Court
7. Trial on Indictment

جرائم قابل کیفرخواست جرائم مهمی هستند که توسط قاضی و هیئت منصفه مورد بررسی قرار می گیرد.

8. District

جرائم مهم به وسیله یک قاضی از دادگاه عالی^۱ رسیدگی می‌شود و سایر جرائم ممکن است به وسیله یک قاضی تمام وقت دادگاه جزا^۲ یا به وسیله یک قاضی پاره وقت دادگاه جزا^۳ مورد رسیدگی قرار گیرند.

جرائم ممکن است به طور اختصاری در یک دادگاه صلح^۴ مورد رسیدگی قرار گیرند. این دادگاه به عنوان یک مرجع کیفری دارای صلاحیت اختصاری تعریف شده که تحت نظر یک یا چند قاضی صلح به رسیدگی می‌پردازد. چنین دادگاهی در قلمرو دادگاه‌های خلاف یا دادگاه‌های پلیس مستقر می‌باشد، هر چند که در دیگر تجمع‌های قضایی نیز ممکن است استقرار یابد. در دادگاه صلح هر پرونده یا به وسیله حداقل دو قاضی غیرحرفه‌ای صلح (قضات غیرحرفه‌ای افتخاری)^۵ یا به وسیله یک قاضی حرفه‌ای حقوق بگیر^۶ که به تنهایی در دادگاه‌ها انجام وظیفه می‌کند مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. قضات صلح به وسیله مقام سلطنت (یعنی در واقع دولت) منصوب می‌شوند و هیچ‌گونه حقوقی دریافت نمی‌کنند^۷ و در سه هفتاد سالگی بازنشسته می‌گردند. این قضات قبل از انتصاب هیچ دوره آموزشی حقوقی را طی نکرده و معمولاً به طور تمام وقت در زمینه‌های کاری دیگر مشغول به فعالیت بوده‌اند. محاکمات در دادگاه‌های صلح به جز در مواردی که به جرائم اطفال رسیدگی می‌کنند، عالی است. قضات دادگاه‌های صلح معمولاً نمی‌توانند مجازات‌های حبس بیش از ۶ ماه تعیین کنند. نیز نمی‌توانند به غیر از جرایمی که ممکن است به صورت اختصاری یا دو وجهی مورد رسیدگی قرار گیرند، رسیدگی کنند. در صورتی که مجازات شدیدتری ضروری به نظر برسد، برای تعیین میزان آن بزه‌کار ممکن است به دادگاه جزا اعزام گردد. دادگاه‌های صلح در انگلستان و ولز، در قالب بیش از ۵۰۰ دادگاه به صورت مستقل از یکدیگر و زیر نظر ۱۰۵ کمیته محلی دادگاه‌ها صلح^۸ به جرائم رسیدگی می‌کنند. در یک گزارش پیشنهاد شده بود که

1. High Court Judge

2. Circuit Judge

3. Recorder

4. Magistrates Court

5. Lay magistrstes

6. stipendiary Magidtrstes

8. Local Magistrates Courts Committee

قاضی تمام وقت وقت دادگاه‌های جزا

قاضی پاره وقت دادگاه جزا

این قضات صرفاً هزینه‌های ناشی از کار خود را دریافت می‌دارند.

یک نهاد اداری برای دادگاه‌ها حتی‌الامکان به صورت یک واحد مستقل ایجاد گردد. اما این پیشنهاد مورد قبول واقع نشد و امروز به جای آن پیشنهاد می‌گردد که دادگاه‌ها تحت نظارت ۵۰ تا ۶۰ کمیته محلی دادگاه‌های صلح سازمان‌دهی شوند و منشی‌های دادگاه‌های صلح کماکان به عنوان مشاوران حقوقی قضات و به عنوان مسئولان اداری دادگاه‌ها به کار خود ادامه دهند، اما رئیس کل کارمندان دفتری مسئولیت اداره کارکنان کمیته محلی دادگاه را به عهده بگیرد.

بعضی از دادگاه‌های صلح، به طور ویژه برای رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان تعیین شده‌اند. دادگاه‌های صغار از قضاتی که دارای آموزش خاصی هستند و صرفاً به اتهامات و تقاضاهای مربوط به نوجوانان رسیدگی می‌کنند، تشکیل شده است. این دادگاه‌ها در اکثر موارد به جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال که اتهام آنها همراه با اتهام اشخاص بزرگسال صادر شده است، رسیدگی می‌کنند. این دادگاه‌ها مستقل از دیگر دادگاه‌ها تشکیل شده و محاکمات آنها علنی نیست و حداقل از سلسله‌ای که در بین آنها باید حداقل یک مرد و یک زن با یک قاضی حرفه‌ای وجود داشته باشد، تشکیل می‌شوند.

دادگاه‌های بالاتر شامل دادگاه عالی است که خود تقسیم می‌شود به الف) دادگاه تجدید نظر ب) دادگاه عالی عدالت^۱ و ج) دادگاه جزا.^۲ شخصی که در دادگاه صلح محکوم شده است، می‌تواند از رای دادگاه صادره به دادگاه جزا اعتراض کند. شخص محکوم شده در دادگاه جزا می‌تواند از حکم صادره در دادگاه تجدید نظر، تجدید نظر خواهی و بالاخره در دیوان کشور،^۳ فرجام‌خواهی نماید. تجدید نظر شکلی و ماهوی نسبت به تصمیمات دادگاه‌های صلح، در صلاحیت دادگاه ملکه^۴ که شعبه‌ای از دادگاه عالی عدالت است، می‌باشد. این دادگاه صلاحیت محدودی نسبت به موارد رسیدگی شده در دادگاه جزا دارد.

عالی‌ترین دادگاه کشور، مجلس لردها یا مجلس اعیان است.

1. Youth Courts
2. The High Court of Justice
3. Crown Court
4. The House of Lords
5. The Queen's Bench

این مجلس متشکل است از لردان استیناف که از میان حقوق دانان برجسته - معمولاً از میان قضات دادگاه استیناف - انتخاب و به صورت مادام‌العمر به این کار گمارده می‌شوند و بدین ترتیب از اعضای مجلس اعیان محسوب می‌گردند. این قضات به رسیدگی مواردی می‌پردازند که اهمیت و منافع عمومی دارد و در قالب پژوهش‌خواهی از دادگاه عالی به آنها ارجاع می‌گردد.

۵. اداره تعلیق مراقبتی

هر یک از ۵۵ منطقه تعلیق مراقبتی^۱ در انگلستان و ویلز، دارای یک کمیته مسئول تعلیق مراقبتی است. اکثر اعضای این کمیته از قضات دادگاه‌های صلح محلی می‌باشند و بقیه اعضاء از افراد دیگر متاغل اجتماعی هستند.

حدود ۷۱۵۰ مأمور تعلیق مراقبتی در پایان سال ۱۹۹۱، اجرای احکام محکومیت بزهکاران، از جمله کنترل تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی عام‌المنفعه، تعلیق ساده مجازات‌ها و پرداخت جریمه‌های نقدی را نظارت می‌کردند. بزهکاران زندانی نیز قبل و بعد از آزادی، چه اجباراً از نظر قانونی و چه به صورت داوطلبانه، تحت نظارت قرار دارند. قواعد و مقررات ملی راجع به نظارت بر بزهکاران در جامعه، بعد از بحث و مشورت با سازمان‌های مسئول کنترل تعلیق مراقبتی، در دست تصویب قرار می‌گیرند. حدود ۱۰٪ از منابع مالی موجود، برای انجام وظائف مأموران تعلیق مراقبتی در محل به حل و فصل مسائل مدنی از جمله مسائل خانوادگی و رفاهیت قضایی اختصاص دارند.

اداره بازرسی تحت مدیریت بازرس اصلی تعلیق مراقبتی، کارهای سازمان را نظارت و کنترل می‌کند. مشروح مذاکرات ارائه شده توسط وزارت کشور درباره کنترل تعلیق مراقبتی در سال ۱۹۹۰ اشاره می‌کند به وجود قصد و برنامه مبنی بر تجدید نظر در بعضی از ساختارهای سازمان مزبور. یا ملاحظه مشروح این مذاکرات احساس می‌شود که کارهای افتخاری و داوطلبانه و بخش خصوصی ممکن است در آینده نقش فزاینده‌ای در زمینه نظارت بر بزهکاران ایفاء کنند.

و. سازمان زندان‌های ملکه

1. Probation

2. Her Majesty's Chief Inspector

سازمان زندان‌ها که از نظر تشکیلاتی زیر مجموعه وزارت کشور قرار دارد، در ۲۸ اوت ۱۹۹۲ در مؤسسات تابعه خود ۶۶/۵۰۰ زندانی نگهداری می‌کرده است. این سازمان در ۱۵ حوزه جغرافیایی تحت نظارت یک مدیر کل که کمیسیون زندان‌ها^۱ (۱۱) را نیز ریاست می‌کند، سازمان داده شده است. مؤسسات زندان‌ها به مؤسسات ویژه زنان محکوم، ویژه جوانان زندانی (جوانان زیر ۲۱ سال) و ویژه زندانیان بزرگسال و جوان که در بازداشت احتیاطی به سر می‌برند، تقسیم شده‌اند. در اوّل اکتبر ۱۹۸۸ «مؤسسات ویژه جوانان بزهکار»^۲ جایگزین «مرکز بازداشت ویژه جوانان بزهکار»^۳ و «ندامتگاه‌های ویژه بزهکاران جوان»^۴ شده‌اند. قواعد و مقررات حاکم بر مؤسسات زندان‌ها نخست در قانون مربوط به زندان‌ها مصوب ۱۹۶۴ برای زندانیان بزرگسال و در سند قانونی^۵ مربوط به نهادهای ویژه جوانان بزهکار مصوب ۱۹۸۸ تبیین شده است.

تشکیلات کنونی مؤسسات زندان‌ها در چهارچوب پیشنهاد موسوم به «آغازی نو»^۶ در سال‌های ۸۸-۱۹۸۷، به منظور تحقق اهداف پیشین بیشتر در مدیریت و اداره زندان‌ها ایجاد شده است. ساعات کار زندانبانان، به دنبال برنامه استخدام وسیع زندانبانان جدید، به طور محسوس کاهش داده شد. از اوّل آوریل ۱۹۹۳، تصمیم مارس ۱۹۹۲ مبنی بر تبدیل سازمان زندان‌ها به یک سازمان اداری مستقل^۷، به دنبال توصیه‌ها و پیشنهادهای مندرج در گزارش دریا سالار «سرریموند لیگو»^۸ اعلام شد.

بنابراین از این پس سازمان زندان‌ها به وسیله کمیسیون مدیریت به ریاست یک مدیر کل، که از طریق استخدام عمومی تعیین و منصوب می‌شود، اداره می‌گردد. مدیر کل مستقیماً در مقابل وزیر کشور مسئول می‌باشد. کمیسیون نظارت، تحت ریاست و زیر نظر مسئول زندان‌ها در چهارچوب وزارت کشور نیز ایجاد شده است.

1. Prison Board

کمیسیون زندان‌ها یا هیئت مدیره زندان‌ها مرجعی است که بر اساس قانون ایجاد شده است.

2. Young offenders Institution

3. Detention centers

4. Youth custody centres

5. Statutory Instrument

6. Fresh start

7. Executive Agency

8. Admiral Sir Rymond Lygo

ز. تشکیلات دادستانی سلطنتی^۱ (دادسرا) (CPS)

تا سال ۱۹۸۵، پلیس مقام اصلی مسئول تعقیب بود. تشکیلات دادستانی سلطنتی نخست در لندن و حومه^۲ و سپس در سراسر انگلستان و ویلز به عنوان مرجع ملی تعقیب، مستقر و شروع به کار نمود. مع ذلک قبل از ایجاد اداره دادستانی سلطنتی تعدادی واحدهای پلیس شروع به سازمان‌دهی مجدد خود در زمینه کیفیت تعقیب کرده بودند و بدین منظور واحدهای حمایتی اجرایی یا اداری مرکزی را برای آماده کردن پرونده به منظور شروع تعقیب، ایجاد نمودند. اداره دادستانی سلطنتی بیش از ۱۰۰ دفتر محلی دارد که مسئول هدایت جریان کلیه تعقیب‌های آغاز شده به وسیله پلیس است. (بجز بعضی تخلفات راهسازی و رانندگی خفیف که در مورد آنها متهم با قبول مجرمیت از خود دفاع می‌کند)

امروزه CPS در ۳۱ منطقه سازمان‌دهی شده است که انگلیس و ویلز را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. معمولاً هر یک از آنها با یک یا گاهی دو واحد پلیس را در برمی‌گیرد. مناطقی که دادستان سلطنتی^۳ را در رأس خود دارند، به نوبه خود به دو شعبه یا بیشتر تقسیم می‌شوند. یک دفتر مرکزی نسبتاً کوچک نیز در لندن وجود دارد. اداره دادستانی سلطنتی می‌تواند پس از بررسی مدارک ارائه شده به وسیله پلیس، به لحاظ عدم کفایت دلایل یا به لحاظ مصالح و منافع عمومی، قرار منع تعقیب پرونده را صادر نماید.

۴- آیین دادرسی در نظام عدالت کیفری

الف. کشف و اتهام

به دنبال کشف و دستگیری فرد متهم به ارتکاب جرم است که پلیس حق انتخاب یکی از این طرق را دارد:

1. Crown Prosecution Service
2. Metropolitan Area
3. Chief Crown Prosecutor

ب. توقیف تعقیب^۱

پلیس ممکن است به لحاظ عدم کفایت دلایل یا بدین جهت که اخطار غیررسمی به متهم کافی به نظر می‌رسد، تصمیم به عدم تعقیب پرونده بگیرد. از جمله این موارد باید به مصونیتی که افراد کمتر از ده سال دارند، یعنی افرادی که از نظر کیفری مسئول نیستند و ممکن است موضوع اقدامات مدنی واقع شوند، اشاره کرد.^۲

ج. اخطار رسمی^۳

زمانی که بزهدکار اقرار به مجرمیت خود می‌نماید، دلیل کافی برای صدور حکم محکومیت وی وجود دارد، بزهدکار به آن محکومیت رضایت می‌دهد و به نظر می‌رسد که در این مورد اقامه دعوی کیفری در جهت منافع عمومی نباشد، در این صورت ممکن است «اخطار رسمی» به وسیله یک افسر ارشد پلیس به او داده شود. اگرچه این روش غالباً درباره جوانان و بزهدکاران بی‌سابقه مورد استفاده قرار می‌گیرد، لیکن امروزه بیش از پیش در قبال بزهدکاران مسن‌تر و بزهدکاران مکرر نیز اعمال می‌گردد.

د. ایراد اتهام^۴

زمانی که شخصی به عنوان متهم مورد تعقیب قرار می‌گیرد، قانون، حضور هرچه سریع‌تر وی را در مقابل دادگاه صلح لازم می‌داند. از سوی دیگر پلیس یا هر شخص دیگر می‌تواند اقامه شکایت^۵ نماید، به طوری که دادگاه متهم را ملزم به حضور نماید و یا دستور توقیف وی را به پلیس بدهد. قرار یا دستور توقیف^۶ تنها در موارد زیر ممکن است صادر گردد:

الف) زمانی که جرم از نوع قابل کیفرخواست یا مستوجب کیفر حبس باشد، یا ب) زمانی که نشانی متهم به اندازه کافی برای ابلاغ برگ احضاریه، روشن نیست. هیچ یک از بخش‌های قوه مجریه یا قوه قضائیه نمی‌تواند به پلیس دستور اقامه (یا عدم اقامه) دعوی کیفری را در موردی مورد خاص بدهد، حتی در مورد وزرا. معذک با تأسیس

1. No Further Action

۲. اطفال بین ۱۰ تا ۱۴ سال از نظر کیفی مسئول تلقی نمی‌شوند.

3. Cautioning

4. Charging

5. Lay An Information

6. Warrant of Arrest

دادسرای مجزا در سال ۱۹۸۶، یعنی تشکیلات دادستانی سلطنتی، امروزه اختیار ادامه تعقیب و یا عدم ادامه دعوی بر حسب مورد، از اختیارات تحقیق، توقیف و اتهام که از آن پلیس است، جدا است.

امروزه دادستان سلطنتی،^۱ مطابق معیارهای ناشی از قانون راجع به دادستان‌های سلطنتی^۲ اختیار رسیدگی مجدد به کلیه اتهام‌هایی را دارد که به وسیله پلیس وارد شده است را دارد (به استثنای بعضی تخلفات کم اهمیت)،^۳ و دادستان سلطنتی می‌تواند به موجب بند ۳ ماده ۲۳ قانون ۱۹۸۵ راجع به تعقیب جرائم^۴ در صورتی که به نظر وی دلایل ارائه شده در مورد دعوی مطروحه در مقابل دادگاه کافی نبوده و یا به مصلحت جامعه نباشد آن را متوقف نماید. دادستان‌ها و یا نمایندگان آنان از اتهام و مجرمیت صادره در مقابل دادگاه صلح دفاع می‌کنند، حال آنکه در مقابل دادگاه جزا، دفاع از اتهام به وسیله وکلایی^۵ که تشکیلات دادستانی سلطنتی آنها را انتخاب می‌نماید صورت می‌گیرد.

ه. توقیف احتیاطی یا آزادی با اخذ وثیقه^۶

دادگاه صلح می‌تواند در هر زمان، رسیدگی به دعوی را به تعویق بیندازد و در این صورت یا تصمیم به توقیف احتیاطی^۷ متهم می‌گیرد و یا وی را به قید ضمانت^۸ یا بدون ضمانت به طور موقت آزاد می‌سازد. به موجب مواد قانون راجع به آزادی به قید کفالت یا وثیقه ۱۹۷۶، حق کلی متهم نسبت به آزادی موقت وجود دارد، اگرچه دادگاه می‌تواند از اعمال این حق در موارد خاص جلوگیری نماید. برای مثال وقتی که دادگاه بنا به دلایل محکمی معتقد است که چنانچه متهم به صورت موقت آزاد شود از تسلیم خود به مراجع قانونی خودداری خواهد ورزید، یا اینکه پس از آزادی موقت مرتکب جرم خواهد شد، یا اینکه سعی در تطمیع شهود خواهد کرد، یا اینکه به طرقی مانع جریان عادی عدالت خواهد شد.

-
1. Crown Prosecutor
 2. The Code For Crown Prosecutor
 3. Minor Offences
 4. Prosecution Of Offences Act 1983
 5. Barristers
 6. Remand
 7. Custody
 8. Bail

دادگاه صلح می‌تواند متهم را تا ۸ روز قبل از تعیین جلسه استماع در بازداشت احتیاطی نگهدارد، لیکن پس از آن می‌تواند او را تا ۲۸ روز در بازداشت نگهدارد، مشروط بر اینکه متهم در دادگاه حضور داشته باشد و قبلاً برای همان جرم در بازداشت احتیاطی به سر ببرد. (ماده ۱۲۸- قانون راجع به محاکم صلح ۱۹۸۰)^۱

علاوه بر دلایل فوق‌الذکر که دادگاه می‌تواند به استناد آنها از اعطای آزادی موقت امتناع ورزد، دادگاه می‌تواند کودک کمتر از ۱۷ سال را نیز بنا بر تشخیص خود، به منظور حمایت از وی، در بازداشت نگه دارد. کودکانی که دادگاه از اعطای آزادی موقت به آنها خودداری می‌کند، در مؤسسات محلی نگهداری می‌شوند، به استثنای پسران ۱۵ یا ۱۶ ساله که ممکن است، به منظور حمایت مردم از خسارات شدید احتمالی که آنها وارد خواهند کرد، در زندان نگهداری شوند. دولت متعهد شده است که هرگاه تعداد کافی محل‌های مطمئن به وسیله مقام‌های محلی در اختیارش گذارده شود، به بازداشت احتیاطی جوانان در زندان خاتمه دهد.

۵- انواع جرائم

سه نوع جرم در حقوق کیفری انگلستان وجود دارد:

الف) جرائمی که فقط بر اساس کیفرخواست^۱ قابل تعقیب است: یعنی شدیدترین موارد نقض مقررات قانون جزا که قابل محاکمه به وسیله قاضی و هیئت منصفه در دادگاه جزا است. این جرائم قابل محاکمه بر اساس کیفرخواست است و شامل قتل عمد، قتل غیر عمد، تجاوز به عفت و سرقت مسلحانه می‌شود.

ب) جرائم قابل محاکمه به هر صورت دو وجهی،^۲ جرائمی هستند که در دادگاه جزا بر اساس کیفرخواست و یا در دادگاه صلح به صورت اختصاری قابل محاکمه هستند.

ج) جرائم قابل محاکمه به صورت اختصاری،^۳ که در دادگاه‌های صلح رسیدگی شده و بیشتر شامل خلاف‌های راهنمایی و رانندگی می‌شوند. خسارت جزایی^۴ چنانچه ارزش مال مورد نظر بیش از ۲۰۰۰ پوند نباشد جرمی اختصاری است، در غیر این

1. Magistrates Courts Act 1980

2. Indictable offences

3. Edither Way Offences

4. Summary Offences

5. Criminal Damage

صورت جرم قابل محاکمه به صورت اختصاری یا جرم قابل کیفرخواست محسوب خواهد شد.

۶- طرز رسیدگی در دادگاه‌های صلح

مطابق آمار، هر ساله حدود دو میلیون متهم در دادگاه‌های صلح مورد تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرند: ۴۹۰/۰۰۰ از آنها برای جرائم قابل کیفرخواست (که شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری یا کیفرخواست) و ۵۷۰/۰۰۰ نفر از آنها برای جرائم غیر از راهنمایی و رانندگی و ۸۹۰/۰۰۰ نفر برای جرائم راهنمایی و رانندگی قابل محاکمه به صورت اختصاری مورد تعقیب قرار می‌گیرند. هنگامی که به نظر تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)، دلایل برای محکومیت کافی نیستند و یا محکومیت در جهت منافع عموم نیست، این اداره می‌تواند از اختیارات خود برای توقف دعوی، چه قبل و چه بعد از استماع به موجب ماده ۲۳ قانون ۱۹۸۵ راجع به تعقیب جرائم استفاده نماید و یا می‌تواند عنداللزوم در صورت وجود دلایل کافی، فرد را به خاطر اتهام دیگری تحت تعقیب قرار دهد. در ۱۹۹۱، دادسرا تقریباً در ۱۷۰/۰۰۰ مورد، قرار موقوفی تعقیب صادر نمود.

در حدود $\frac{1}{6}$ جرائم قابل کیفرخواست (شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و قابل کیفرخواست) هر سال به دادگاه جزا ارجاع می‌شوند. علل این ارجاع‌ها به شرح زیر است:

الف) جرم تنها بر اساس کیفرخواست قابل تعقیب است؛

ب) جرم قابل محاکمه به هر یک از دو صورت قابل کیفرخواست و یا اختصاری است که به دستور دادگاه صلح یا به انتخاب متهم، برای محاکمه به دادگاه ارجاع می‌گردد؛

ج) جرم قابل محاکمه به هر دو صورت قابل کیفرخواست و یا اختصاری است و دادگاه این اعتقاد را دارد که مجازات قابل اعمال بیش از محدوده صلاحیت وی است (بیش از ۶ ماه حبس یا ۵۰۰۰ پوند جریمه نقدی) که در این صورت متهم برای تعیین مجازات به دادگاه جزا اعزام می‌شود.

برای جرایمی که تنها بر اساس کیفرخواست تعقیب می‌شوند، وقتی که شخص متهم دارای وکیل است، دادگاه صلح می‌تواند با موافقت وی و بدون بررسی دلایل موجود، شخص متهم را برای محاکمه به دادگاه جزا اعزام دارد.

در دیگر موارد دادگاه صلح باید به اعتبار دلایل رسیدگی نماید و در این خصوص که آیا این دلایل برای ارجاع مورد به دادگاه بالاتر برای محاکمه کافی هستند یا خیر، تصمیم بگیرد. در غیر این صورت متهم باید آزاد گردد.

برای جرائم قابل محاکمه به صورت دو وجهی قضات صلح باید تصمیم بگیرند که آیا مورد مطروحه شدیدتر از آن است که موضوع رسیدگی اختصاری قرار گیرد یا خیر؟ قضات صلح در هنگام تصمیم‌گیری، به هیچ وجه در جریان وضعیت متهم و یا سوابق کیفری احتمالی وی نیستند. اگر قضات بر این باور باشند که مورد باید به صورت رسیدگی شود، متهم در عین حال می‌تواند حق خود را مبنی بر محاکمه شدن به وسیله هیئت منصفه، اعمال نماید که در این صورت مورد به دادگاه جزا ارجاع خواهد شد. نزدیک به $\frac{2}{3}$ از موارد ارجاعی، بر اساس تصمیم قضات صلح صورت می‌گیرد. وقتی که یک مورد قابل محاکمه به صورت اختصاری یا کیفرخواست ارجاع می‌گردد، همان آیین ارجاع که برای جرائم قابل کیفرخواست اعمال می‌شود، قابل اجرا است.

به کرات اتفاق می‌افتد که شخصی در ارتباط با چند جرم، متهم اعلام شود که بعضی از آنها قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست و بعضی در چهارچوب رسیدگی اختصاری تعقیب می‌شود. اگر جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست به دادگاه جزا ارجاع گردد، بعضی جرائم قابل محاکمه به صورت اختصاری نیز ممکن است به کیفرخواست اضافه گردد؛ برای مثال راندن خودرو زمانی که پروانه رانندگی ضبط شده است، یا شروع به ایراد ضرب و جرح یا تملک خودرو بدون اجازه مالک. لیکن دادگاه جزا تنها می‌تواند به همان روش معمول در دادگاه صلح به آنها رسیدگی نماید. سایر جرائم باید به صورت اختصاری مورد رسیدگی قرار گیرد.

در محاکمات اختصاری، دادگاه متهمی را که در محکمه حضور دارد از اتهامات وارده مطلع نموده و از وی سؤال می‌کند که آیا مجرمیت خود را می‌پذیرد یا خیر؟

چنانچه متهم مجرمیت خود را نپذیرد، دادگاه باید پس از استماع دلایل تقدیمی به وسیله طرفین، یا متهم را محکوم، یا وی را تبرئه نماید. اگر متهم مجرمیت خود را قبول نماید (در چهارچوب ماده ۱۲ قانون راجع به دادگاه‌های صلح ۱۹۸۰ این موضوع ممکن است در خصوص پاره‌ای جرائم به وسیله پست صورت بگیرد)، دادگاه می‌تواند بدون توجه به دلایل وی را محکوم نماید. اگر دادستان در دادگاه حضور پیدا کند، لیکن متهم آن طور که از وی خواسته شده است در دادگاه حاضر نشود، دادگاه می‌تواند به محض حصول اطمینان از اینکه احضاریه به متهم ابلاغ شده است، در غیاب وی به موضوع رسیدگی نماید و یا جریان استماع و محاکمه را به تعویق بیندازد. اگر متهم در دادگاه حاضر شود، لیکن دادستان یا نماینده وی حضور نداشته باشد، دادگاه می‌تواند یا متهم را تبرئه نماید یا جلسه رسیدگی را به تعویق بیندازد. وقتی که مجرمیت متهم احراز می‌شود، دادگاه می‌تواند یا فوراً اقدام به صدور حکم نماید یا در صورتی که تحقیقات یا اقدامات تکمیلی قبل از صدور حکم ضروری باشد، صدور آن را به تعویق بیندازد.

۷- محاکمه به وسیله هیئت منصفه

هیئت منصفه متشکل است از ۱۲ عضو که به دلخواه از میان کلیه اشخاص ۱۸ تا ۷۰ ساله که اسامی آنها در سیاهه «انتخاب کنندگان» برای شرکت در انتخابات منعکس شده است، برگزیده می‌شوند. اعضای هیئت منصفه سوگند یاد می‌کنند که «پرونده را به طور دقیق و واقعی رسیدگی نموده و حکم منصفانه‌ای مبتنی بر دلایل موجود صادر نمایند». وظیفه هیئت منصفه استماع شهادت شهود و توجه به سایر دلایل ارائه شده و صدور حکم محکومیت یا برائت متهم است. متهم حق دارد که هر یک از اعضای هیئت منصفه را بنا به دلیل معینی جرح نماید، لیکن نمی‌تواند بدون دلیل این امر را انجام دهد. اتفاق آرای اعضای هیئت منصفه در محاکمات جزایی ضروری نیست، لیکن حکم باید مبتنی به اکثریتی شامل ده رأی موافق باشد. در صورت احراز مجرمیت و محکومیت به تشخیص هیئت منصفه، قاضی مبادرت به تعیین مجازات و صدور حکم می‌نماید. در صورت محکومیت، محکوم علیه می‌تواند از حکم صادره در دادگاه استیناف و سپس در دیوان کشور به ترتیب پژوهش و فرجام‌خواهی کند. همچون دادگاه صلح، دادگاه جزا نیز می‌تواند قرار جبران خسارت بزه‌دیدگان را صادر نماید. اخیراً قانون‌گذار این امر را در قالب قوانین جدید تشویق کرده و تعمیم داده است. دادگاه می‌تواند محکوم را ملزم

به پرداخت تمام و یا بخشی از هزینه‌ها و مخارج ناشی از تعقیب کیفری بنماید. در صورت برائت، دادگاه می‌تواند دولت را مکلف به پرداخت هزینه‌ها و مخارج متهم نماید.

۸- آیین رسیدگی معمول در مورد کودکان بزهکار

اطفال بین ۱۰ تا ۱۷ سال تمام به وسیله دادگاه‌های ویژه کودکان مرکب از قضات صلح آموزشی دیده برای این منظور، محاکمه می‌شوند. این دادگاه‌ها از اوّل اکتبر ۱۹۹۲ ایجاد شده‌اند و جاشین دادگاه‌های اطفال سابق شده است^۱ که فقط به جرائم مجرمین جوان تا ۱۶ سال تمام رسیدگی می‌کرد. اصولاً محاکمات در این دادگاه‌ها غیر علنی بوده و فقط اعضاء و کارمندان دادگاه و نیز طرفین دعوا (معمولاً والدین یا سرپرستان آنها و وکلای آنها)، شهرد و نمایندگان مطبوعات حق حضور دارند. مطبوعات می‌توانند گزارش محاکمات را به اطلاع عموم برسانند لیکن هویت کودکان نباید فاش شود. کودکان بزهکار بدون توجه به نوع جرم ارتكابی، در این دادگاه‌های ویژه محاکمه می‌شوند، مگر اینکه:

الف) اتهام آنان، قتل (یعنی قتل عمد یا قتل غیرعمد) باشد که در این صورت باید برای محاکمه به دادگاه جزا اعزام شوند،

ب) کودک، ۱۴ سال تمام یا بیشتر داشته و متهم به ارتکاب جرمی شده باشد که این جرم معمولاً برای شخص بالغ، محکومیتی معادل حداقل ۱۴ سال حبس را در برداشته باشد. اگر نظر دادگاه ویژه کودکان بزهکار بر آن باشد که برای محکوم علیه، مجازاتی بیش از آنچه که در صلاحیت قانونی‌اش است، تعیین کند باید پرونده چنین مجرم صغیری را برای محاکمه به دادگاه بالاتر، یعنی دادگاه جزا، ارسال نماید،

ج) این نظام جدید که از اکتبر ۱۹۹۲ به اجرا گذاشته شده است نسبت به افراد ۱۷ ساله در خصوص موارد قبل از محاکمه (یعنی در ارتباط با اختیارات پلیس در مورد بازداشت احتیاطی) معمول نمی‌گردد و با آنها مانند بزرگسالان رفتار می‌شود.

۹- محاکمه و تعیین مجازات

به موجب مواد قانون جدید راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱، مجازات باید متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد، مع ذلك اعمال مجازات حبس ممكن است، به لحاظ ضرورت حفظ امنیت عمومی در مقابل خطرات احتمالی ناشی از مجرم جنسی یا مجرم خشن توجیه گردد. قاضی دادگاه صلح یا قاضی دادگاه جزا برای تصمیم‌گیری راجع به مجازات، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف) اوضاع و احوال ارتكاب جرم که به دادگاه ارائه می‌شود. به علاوه مجرمی که با قبول مجرمیت به دفاع از خود می‌پردازد ممكن است ارتكاب جرایم مشابه دیگری را نیز بپذیرد. در این صورت دادگاه این رویه را اتخاذ کرده است که برای ارتكاب جرایم اخیرالذکر، متهم را محکوم نمی‌کند، لیکن در هنگام تعیین مجازات برای جرم اولی، جرایم مشابه را مورد توجه خود قرار می‌دهد.

ب) وضعیت مجرم. دادرسی اطلاعات مربوط به وضعیت شخصی و خانوادگی، و نیز سوابق کیفری و مجازات‌های تحمیلی به زندان را ارائه می‌دهد. به علاوه در موردی که جرم ارتكابی از نوع شدید باشد، معمولاً یک گزارش مقدماتی که اطلاعات تفصیلی را ارائه می‌دهد به وسیله مأمور تعلیق مراقبتی^۱ تهیه و قبل از تعیین مجازات به دادگاه ارسال می‌شود.

این گزارش حاوی اطلاعاتی راجع به منش، شخصیت، محیط اجتماعی و خانوادگی متهم، تحصیلات و شغل احتمالی وی و احتمالاً اظهارنظری راجع به اعمال ضمانت اجراهای غیر سالب آزادی نسبت به وی می‌باشد.

ج) دفاعیات. در موارد نسبتاً مهم، متهم همراه با یک وکیل^۲ یا به اتفاق یک مشاور حقوقی^۳ حضور می‌یابد. وکیل در دفاعیات خود کیفیات مخففه را مطرح می‌کند. توضیحات مربوط به جرم و اوضاع و احوال ارتكاب آن را که متهم، یعنی موکلش، به وی ارائه داده است به نفع وی به دادگاه تقدیم می‌نماید.

اکثریت مجرمین در رابطه با «جرائم اختصاری» محکوم به پرداخت جریمه نقدی می‌شوند. (۹۳ درصد برای جرائم راهنمایی و رانندگی و ۸۴ درصد برای جرایم غیر از

1. Probation officer
2. Barrister (counsel)
3. Solicitor

جرایم راهنمایی و رانندگی) قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱، نظام جریمه‌های تفکیک شده برای اشخاص محکوم به تحمل کیفر نقدی به وسیله دادگاه‌های صلح را وارد حقوق انگلستان و ویلز کرده است. این نظام پس از آزمایش و تجربه در ۴ دادگاه، قطعی گردید. این نظام جدید، مشابه نظام جریمه نقدی روزانه^۱ معمول در کشورهای دیگر است، با این تفاوت که نظام جدید در انگلستان بر اساس درآمد هفتگی تعیین می‌شود تا درآمد روزانه. برای جرائمی که صرفاً قابل محاکمه بر اساس کیفرخواست هستند و جرائمی که قابل محاکمه به صورت دو وجهی می‌باشند، بیشتر از یک سلسله ضمانت اجرای کیفری یا قرارهای مختلف استفاده می‌شوند، اگرچه جریمه معمول‌ترین مجازات برای جرائم قابل محاکمه به صورت دو وجهی است. مجازات‌های اصلی به شرح ذیل است.

الف) مجازات سلب آزادی؛ در مورد افراد بزرگسال

سلب آزادی یا حبس شدیدترین مجازاتی است که دادگاه‌های صلح برای رسیدگی به جرم مستوجب حداکثر چنین مجازاتی، ممکن است به مجرم تحمیل نمایند. به موجب قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱، سلب آزادی تنها زمانی تعیین می‌شود که جرم به اندازه کافی شدید باشد یا برای حمایت مردم در مقابل خطر شدیدی که مجرم جنسی یا خشن برای آنها دارد، ضروری به نظر برسد. حداکثر مجازات پیش‌بینی شده برای هر جرم، درجه شدت وخامت آن جرم را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب است که قتل عمد اجباراً مستوجب حبس ابد می‌شود، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه و قتل غیرعمد نیز مستوجب همین مجازات است، و همچنین سرقت از منازل برای مباشر آن ممکن است تا ۱۴ سال حبس به دنبال داشته باشد. دادگاه صلح نمی‌تواند برای یک جرم، حبسی بیش از ۶ ماه و برای بیش از یک جرم جمعاً بیش از ۱۲ ماه حبس تعیین کند؛ وقتی که مجرم برای چند جرم محکوم به مجازات حبس می‌شود، مجازات‌ها در صورتی که کل آنها نامتناسب با درجه وخامت کل جرائم ارتكابی نیست، ممکن است با هم جمع شوند.

کیفر حبس ابد باید در مورد اشخاصی که ۲۱ سال یا بیشتر دارند و در رابطه با قتل عمد محکوم می‌شوند، اعمال گردد. این مجازات ممکن است نسبت به مباشرین جنرائم شدید، مانند قتل غیرعمد، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ایراد صدمه منجر به جرح

شدید، سرقت مسلحانه یا توأم با خشونت از منازل و پاره‌ای جرائم همراه با استفاده از اسلحه گرم نیز اعمال شود. دادگاه می‌تواند برای این جرائم، به جای حبس ابد، حبس موقت برای هر مدتی که مناسب تشخیص می‌دهد، یا مجازات غیر سالب آزادی تعیین و به محکوم علیه تحمیل کند.

حکم حبس ابد از نظر مدت کاملاً معین است. هیچ حقی برای آزاد کردن محکوم به حبس ابد، در هیچ یک از مراحل اجرای مجازات وجود ندارد. برای مجرمینی که برابر قانون باید به عنوان مجازات، اجباراً به حبس ابد محکوم شوند تنها وزیر کشور پس از توصیه کمیسیون آزادی مشروط،^۱ پس از مشورت با قاضی القضاة^۲، و در صورت امکان، با قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده، می‌تواند اجازه آزادی محکوم علیه را صادر کند. برای سایر محکومین به حبس ابد، یعنی مجرمینی که به تشخیص قاضی و به عنوان مجازات اشد محکوم به این نوع حبس گردیده‌اند، با اجرای قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱ (ماده ۳۱ آن) از اکتبر ۱۹۹۲، نحوه صدور اجازه آزادی مشروط تغییر کرده است. در چنین مواردی، خود دادگاه می‌تواند مدتی را که پس از انقضای آن، زندانی می‌تواند از این آزادی بهره‌مند شود تعیین کند. (مقررات انتقالی به وزیر کشور امکان اعمال این رژیم جدید را نسبت به زندانیانی که در حال تحمل مجازات می‌باشند - یعنی زندانیان موجود در حبس - می‌دهد) در این صورت زندانی می‌تواند از وزیر کشور تقاضا کند که مورد او را به اطلاع کمیسیون صالح به رسیدگی به اعطای آزادی مشروط برساند. این کمیسیون می‌تواند چنانچه وزیر کشور خود اجازه آزادی را نداده باشد و محکوم علیه مدت اجباری قانونی را تحمل کرده باشد، از وزیر کشور بخواهد که در صورتی که دیگر نگهداری محکوم علیه، به دلیل ملاحظات امنیتی، در زندان ضروری نیست، او را تحت شرایطی آزاد نماید. این کیفیات و شرایط جدید برای کلیه زندانیان، صرف نظر از سن آنها و حتی اطفال بزهکار قابل اعمال است. زندانی ابد که تحت شرایطی آزاد شده است، ممکن است در هر لحظه، چنانچه رفتار مطلوب نباشد، مجدداً و برای همیشه به زندان بازگردانده شود.

ب) سلب آزادی در مورد اطفال بزهکار

اوضاع و احوال و شرایطی که به موجب آن اطفال ممکن است به حبس ابد محکوم شوند در سال ۱۹۸۲ و نیز در مقیاس بیشتری در سال ۱۹۸۸ محدود شده است. این موضوع به کاهش تعداد زندانیان جوان که از ۷۷۰۰ نفر در سال ۱۹۸۱ به ۱۸۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ رسیده، کمک کرده است. قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱ به نوآوری‌هایی در این زمینه دست زده است. از این پس پسران و دختران را قبل از ۱۵ سالگی دیگر نمی‌توان به نگهداری در موسسه ویژه اطفال محکوم کرد. مدت حداکثر حبس برای جوانان ۱۵ تا ۱۷ سال، ۱۲ ماه است. (قبلاً این مدت حداقل، برای پسران کمتر از ۱۷ سال، ۲۱ روز و برای دختران، ۴ ماه تعیین شده بود) برای جوانان بزهکار بین ۱۸ تا ۲۰ سال، حداقل حبس ۲۱ روز و حداکثر آن، همانی خواهد بود که به مجرم بزرگسال مرتکب همان جرم تحمیل می‌شود.

رسالت موسسه زیر نظر وزارت عدالت، آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه است. یک برنامه انعطاف‌پذیر از فعالیت‌ها که در عین حال مشجم و هماهنگ باشد، به تأثیر کمک به گسترش حس مسئولیت، انضباط، سلامت جسمانی و آموزش حرفه‌ای، به آنان تحمیل می‌شود. اطفالی که در سن تحصیلات هستند باید حداقل در هفته ۱۵ ساعت کلاس درس داشته باشند. آموزش حرفه‌ای و کار در رژیم معمول نسبت به زندانیان بزرگتر، رکن مهمی را تشکیل می‌دهد. روابط با خانواده و جامعه تا آنجایی که ممکن است حفظ خواهد شد.

کودکان ۱۴ تا ۱۶ ساله که در دادگاه جزا محاکمه می‌شوند ممکن است در جراثمی که حداکثر مجازات آن برای یک مجرم بزرگسال ۱۴ سال حبس یا بیشتر است، به همین میزان مجازات و حتی به حبس ابد نیز محکوم شوند. در مورد کودکان ۱۰ تا ۱۳ ساله که در ارتباط با قتل غیر عمد محکوم شده‌اند نیز وضع به همین منوال است. شخصی که به اتهام قتل ارتكابی در سنین ۱۰ تا ۱۷ سال تمام محاکمه می‌شود، باید با «اراده و میل علیا حضرت ملکه»^۱ (یعنی به نام الیزابت دوم، ملکه انگلستان) به حبس محکوم شود.

زندانان ممکن است در زندان یا در کانون^۲ که به وسیله مقام‌های محلی اداره می‌شود، نگهداری گردند. هر شخص که در رابطه با قتل عمد محکوم شده و به هنگام

1. During Her Majesty's Pleasure

2. Community Home

ارتکاب آن ۱۸ سال و به هنگام محکومیت کمتر از ۲۱ سال داشته باشد، باید به «حبس ابد» محکوم شود. وضعیت مجرمی که بیش از ۱۷ سال و کمتر از ۲۱ سال دارد و در رابطه با جرمی محکوم شده که چنانچه مباشر آن بزرگسال می‌بود مستحق حبس ابد بود، نیز به همین منوال است.

ج) محکومیت توأم با تعلیق در مورد بزرگسالان بیش از ۲۱ سال وقتی دادگاه تصمیم می‌گیرد که جرم، برابر سوابق کیفری مجرم بزرگسال، به اندازه کافی شدید و بنابراین مستحق حداکثر دو سال حبس می‌باشد، مجازات ممکن است به مدت حداقل ۱ سال و حداکثر ۲ سال تعلیق شود. چنانچه مجرم در دوران تعلیق مرتکب جرمی شود که مجازات آن حبس است، باید مجازات تعلیق شده را نیز متحمل شود.

د) مجازات‌های اجتماعی، مجازات‌هایی که باید در جامعه به اجرا درآید قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱ تعداد مجازات‌هایی را که در جامعه به اجرا در می‌آید و از طرف دیگر مجازات‌های خاصی را تشکیل می‌دهند و بنابراین جایگزین‌هایی برای کیفر حبس محسوب می‌گردند را بیشتر کرده و مبانی آن را تقویت نمود. چنین مجازات‌هایی زمانی به مجرم تعلیق می‌شود که جرم یا جرایم ارتكابی به اندازه کافی شدید باشند و برای حال مجرم مناسب‌ترین به نظر آید.

انتخاب‌های اصلی در این زمینه به شرح زیر است:

۱) انجام کارها و خدمات عمومی^۱ و عام‌المنفعه،

دادگاه می‌تواند از مجرم بیش از شانزده سال که محکومیتش در رابطه با جرمی است که در صورت ارتکاب توسط بزرگسال، مجازات آن حبس می‌بود، بخواهد که به طور رایگان به نفع جامعه کار کند. رضایت مجرم ضروری است و چنین قرارهایی شامل حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۴۰ ساعت کار در مدت ۱۲ ماه می‌شود. کار مشخص شده زیر نظر مأمور ویژه بخش تعلیق مراقبتی انجام می‌شود. چنانچه قرار لغو گردد مجرم ممکن است برای جرم اولی نیز محکوم شود. کارهای عمومی عام‌المنفعه متعددی بدین منظور وجود دارد، به عنوان مثال طرح‌های نگهداری فضا‌های شهری (مثلاً فضای سبز)، ساخت شهرهای بازی و کارهای رنگ‌آمیزی و تزئینات خانه‌ها و آپارتمان‌ها برای اشخاص سالمند یا ناتوان.

۲) قراردادهای مراقبت و نظارت^۱

مجرم ۱۶ ساله یا بیشتر ممکن است موضوع قرار تعلیق مراقبتی برای مدتی از ۶ ماه تا ۳ سال واقع شود. هر مجرم باید به وسیله یک مأمور تعلیق مراقبتی نظارت شود، لیکن دادگاه می‌تواند هر شرط دیگری که مناسب بداند، از جمله در خصوص محل اقامت، نوع فعالیت‌ها، حضور منظم در یک مرکز تعلیق مراقبتی، و مداوای روانی یا ترک اعتیاد را در قرار خود اضافه نماید. مراکز روزانه تخصصی که محکومین مشمول تعلیق مراقبتی باید تا ۶۰ روز به آنجا مراجعه کنند نیز در تعدادی از محله‌ها (شهرها) موجود است. حدود ۸۰ درصد از قراردادهای تعلیق مراقبتی به طور رضایت بخشی اجرا می‌شود.

کودکان حداکثر تا ۱۷ ساله ممکن است به مدت حداکثر ۳ سال موضوع قرار نظارت^۲ محسوب شوند. نظارت کننده، یا یک مأمور مراقبت است یا یک مقام محلی یعنی مدیر کار اجتماعی. یک سلسله شرایط مربوط به ~~کن~~ نوع فعالیت‌ها ممکن است در قرار ذکر شوند.

۳) قرار ترکیبی^۲

قرار جدیدی در اکتبر ۱۹۹۲ وارد حقوق انگلستان و ویلز شده است که کلیه ارکان کارهای عمومی عامل‌المنفعه و قرار نظارت یا تعلیق مراقبتی را با هم جمع و ترکیب نموده است. این قرار ممکن است علیه مجرمی که ۱۶ سال یا بیشتر دارد اعمال گردد. حداکثر مدت این قرار ۳ سال و حداقل مدت آن ۱۲ ماه تعیین شده است. وقتی یک قرار ترکیبی صادر گردد، نظارت بر تعلیق مراقبتی حداقل تا زمانی که کار عامل‌المنفعه انجام نشده است ادامه می‌یابد. حداقل ساعت کار عامل‌المنفعه بین ۴۰ تا ۱۰۰ ساعت در نوسان است.

۴) سایر اقدامات

عدالت کیفری در مقیاس کمتری از تدابیر و اقدام‌های دیگری نیز استفاده می‌نماید که از جمله آن می‌توان به تدابیر زیر اشاره کرد:

آزادی مشروط (مشروط بر اینکه محکوم علیه نظم عمومی را مختل نکند، یا از خود حسن رفتار نشان دهد)، قراردادهای مراقبت، و قراردادهای مبنی بر حضور اجباری در مراکز

1. Probation and Supervision Orders

2. Combination Order

اجتماعی که مجرمین کمتر از ۲۱ سال ممکن است در آنجا مکلف به شرکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته در بعد از ظهرهای شنبه به مدت چند هفته معین بشوند. قانون راجع به عدالت کیفری ۱۹۹۱، قرار مراقبت الکترونیکی^۱ محکوم علیه با استفاده از ابزارهای برقی، از راه دور را نیز وارد این تدابیر نموده است. این نوآوری که از تجربه‌های به دست آمده در قلمرو بازداشت موقت اقتباس شده هنوز به مرحله اجرا در نیامده است.

(د) جرمه

نظام جدید جرمه برای کلیه جرمه‌های تحمیلی به اشخاص به وسیله دادگاه‌های صلح، حتی پرداخت جرمه‌های تحمیلی به والدین در رابطه با اطفال ۱۸ سال، در اکتبر ۱۹۹۲ وارد سیاهه تدابیر و اقدامات موجود در حقوق انگلیس و ویلز شد. اندیشه اصلی نظام مزبور این است که به دادگاه این امکان را بدهد تا محکوم علیه را از معادل (واحد) درآمد خالص هفتگی اش - پس از کسر مخارج اساسی وی - بر حسب شدت جرم ارتكابی، به مدت چند هفته محروم نماید. این نظام نسبت به احکام جرمه‌ای که دادگاه‌های جزا صادر می‌کنند، به اجرا گذاشته نمی‌شود.

تعداد حداکثر واحدها به شرح زیر تعیین می‌شود:

- ۲ واحد برای جرم از درجه اول (یا از طبقه اول)
- ۵ واحد برای جرم از درجه دوم (یا از طبقه دوم)
- ۱۰ واحد برای جرم از درجه سوم (یا از طبقه سوم)
- ۲۵ واحد برای جرم از درجه چهارم (یا از طبقه چهارم)
- ۵۰ واحد برای جرم از درجه پنجم (یا از طبقه پنجم) یا جرم حداکثر پیش‌بینی شده به وسیله قانون.

در مورد بزهکاران حقیقی، ارزش هر واحد تابعی است از اطلاعات ارائه شده به وسیله هر بزهکار پیرامون درآمد هفتگی اش و مبلغی که بابت جرمه بدون مشکل می‌تواند بپردازد. ضروری نیست که دادگاه ارزیابی جامعی از وضعیت مالی ذی‌نفع بنماید. ارزش حداقل کنونی هر واحد ۴ پوند و ارزش حداکثر آن ۱۰۰ پوند است. بدین ترتیب مبلغ جرمه‌ها بر حسب شدت جرم در نوسان است؛ برای مثال سرقت،

1. Curfew Order

2. Disposable Income

جرمی از درجه پنجم محسوب می‌شود، رانندگی همراه با بی‌احتیاطی یک وسیله نقلیه، جرمی از درجه چهارم است و تقلب مبنی بر عدم پرداخت مالیات تلویزیون، جرمی از درجه سوم را تشکیل می‌دهد.

اجرای جرمیه‌ها به وسیله دادگاه‌های صلح صورت می‌گیرد. چگونگی وصول جرمیه‌ها بر حسب جایگاه شغلی بدهکار متفاوت است؛ برای کارمندان و مستمری‌بگیران این جرمیه در مبدأ وصول می‌شود، حال آنکه در مورد سایرین، اموال آنان توقیف می‌شود. ضمانت اجرای نهایی ممکن است زندان باشد که مدت آن بستگی دارد به باتیمانه مبلغ پرداخت نشده جرمیه. در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۶۵۰۰ نفر به لحاظ عدم پرداخت جرمیه زندانی شدند که به طور متوسط به مدت ۷ روز در حبس باقی مانده‌اند. غالب افرادی که تحت این عنوان به زندان اعزام شده‌اند از بیکاران بوده‌اند. قانون راجع به اصلاحات کیفری ۱۹۹۱، اصل توقیف درآمد در مبدأ، به منظور وصول جرمیه را به پرداخت‌های ماهیانه یا هفتگی سازمان بیمه‌های اجتماعی بیکاران نیز تسری داده است.

ه) انصراف از محکوم کردن (تبرئه)

هرگاه دادگاه مناسب تشخیص دهد، می‌تواند به طور مشروط یا بدون هیچ گونه قید و شرطی از محکوم کردن متهم صرف نظر کند. در صورت انصراف بی‌قید و شرط از محکوم کردن متهم، هیچ گونه تدبیر دیگری، صرف نظر از اوضاع و احوال ارتکاب جرم، قابل اتخاذ نیست.

در صورت انصراف مشروط از محکوم کردن، چنانچه مجرم برای جرم جدید ارتكابی در دوران آزادی مشروط به مجازات جدیدی محکوم شود، دادگاه وی را برای جرم اولی نیز محکوم خواهد کرد.

و) جبران و ترمیم خسارت

در صورت محکومیت، علاوه بر اعمال اقدام‌هایی که نسبت به محکوم اتخاذ شده است، دادگاه می‌تواند وی را مکلف به جبران خسارت جسمانی یا سایر خسارات وارده بر بزه‌دیده که از ارتکاب جرم ناشی شده است، نیز بنماید.

ز) کیفر مرگ

کیفر مرگ برای قتل عمد در سال ۱۹۶۵ لغو شده است، لیکن برای خیانت و چند جنایت دیگر حفظ شده است. از آن تاریخ تاکنون، هیچ حکم اعدامی صادر نشده است.

ع) تجدید نظرخواهی^۱

در قلمرو جرائم جنایی، دادگاه جزا اصولاً به تجدید نظرخواهی اشخاصی که مجرم اعلام شده‌اند و یا به وسیله دادگاه صلح محکوم شده‌اند رسیدگی می‌نماید، چه این تجدید نظرخواهی از نوع محکومیت آنها، چه از نوع و میزان مجازات آنها و چه از هر دوی اینها باشد. تجدید نظرخواهی‌ها ممکن است فقط محدود به محکومیت یا به بخشی از مجازات باشد (برای مثال قرار جبران خسارت یا ضبط پروانه رانندگی)، لیکن دادگاه جزا در صورتی که مناسب تشخیص بدهد می‌تواند هر بخش از کیفر را که بخواهد تغییر دهد.

شعبه کیفری دادگاه استیناف که در محل دادگاه‌های عدالت سلطنتی در لندن واقع شده است، تقاضاهای مربوط به پرونده‌های کیفری رسیدگی شده در دادگاه جزا را مورد بررسی قرار می‌دهد. این دادگاه مرکب است از: قاضی القضا^۲ و قضات استیناف^۳ و نیز در صورت نیاز، قضات دادگاه عالی هستند. تقاضای پژوهش ممکن است متعاقباً به مجلس اعیان^۴ تقدیم شود. دادستان^۵ اختار دارد رسیدگی مجدد به مجازات‌هایی که با توجه به قانون، سبک و خفیف به نظر می‌رسد را به دادگاه استیناف احاله نماید.

۱۰. آزادی زودتر از موعد^۶

به دنبال توصیه‌های کمیته^۷ «گورد کارلایل»^۷ شرایط و کیفیات جدیدی از اول اکتبر ۱۹۹۲ برای اعطای آزادی پیش از موعد زندانیان پیش‌بینی گردید. این اصلاحات تخفیف مجازات را لغو کرد و تغییرات مهمی را نسبت به شرایط قدیمی اعطای آزادی مشروط و مراقبتی به وجود آورد.

در چهارچوب نظام جدید، آزادی زودرس پاره‌ای از زندانیان، حتی جوانان مجرم - که به موجب بند دو ماده ۵۳ قانون راجع به اطفال و نوجوانان ۱۹۳۳^۸ نگهداری می‌شوند - به مدت مجازاتی که باید نسبت به آنها اعمال شود بستگی دارد:

-
1. Appeals
 2. Lord Chief Justice
 3. Lords Justice
 4. House of Lords
 5. Attorney General
 6. Early release
 7. Lord Carlisle

الف. احکام مجازات کمتر از ۴ سال

در چهارچوب آزادی مشروط، زندانی باید نیمی از مجازات خود را متحمل شده باشد. با این حال، ممکن است اعطای آزادی مشروط به لحاظ تحمیل یک ضمانت اجرای انضباطی به دنبال تخلف محکوم علیه در زندان، به تعویق افتد. ارتکاب هر جرمی در مدت آزادی قبل از موعد، که مستوجب مجازات حبس باشد، ممکن است موجب برگرداندن مجرم به زندان برای تحمل کل یا باقیمانده کیفر اولیه وی گردد. مجرمین بزرگسالی که نخست به ۱۲ ماه حبس یا بیشتر محکوم شده‌اند، و کلیه مجرمین جوان، پس از اعطای آزادی مشروط تا $\frac{3}{4}$ مدت مجازاتشان تحت نظارت اجباری قرار خواهند گرفت، با این قید که برای مجرمین جوان حداقل ۳ ماه نظارت ضروری است. برای بعضی از مجرمین جنسی - به تشخیص قاضی در زمان صدور حکم - این نظارت تا پایان مدت مجازات ادامه خواهد داشت. به موارد عدم رعایت شرایط و تکالیف دوران آزادی در صلاحیت دادگاه‌های صلح است. این دادگاه‌ها می‌توانند چنین محکوم علیه‌ای را مجبور به پرداخت جریمه نمایند یا دستور عودت وی به زندان را برای مدتی که نباید از شش ماه تجاوز کند، بدهند.

ب. احکام مجازات چهار سال یا بیشتر

کمیسیون آزادی مشروط در مورد اعطای این نوع آزادی، بر اساس تقاضای زندانیانی که نیمی از مجازات خود را تحمل کرده‌اند، صلاحیت دارد. با این حال آزادی کلیه زندانیانی که تا $\frac{2}{3}$ کیفر خود را متحمل شده‌اند خود به خود انجام می‌گیرد. کلیه زندانیان، اعم از اینکه به صورت مشروط یا غیرمشروط آزاد شده باشند، تحت نظارت و شرایط مجوز آزادی تا $\frac{3}{4}$ از مدت مجازات خود قرار می‌گیرند. به جز بعضی از مجرمین جنسی که باید برای تمام مدت مجازات خود تحت نظر قرار گیرند. بازگرداندن زندانیان آزاد شده به زندان، به لحاظ عدم رعایت شرایط مندرج در آزادی مشروط، صادره توسط کمیسیون آزادی مشروط، صورت می‌پذیرد. از نظر رسمی مقام صالح برای اعطای آزادی مشروط وزیر کشور است، لیکن در عمل وزیر کشور اختیارات خود را برای کلیه محکومینی که مجازات آنها کمتر از هفت سال حبس است به کمیسیون آزادی مشروط تفویض کرده است.

۱۱- موقعیت بزه‌دیده

بزه‌دیدگان اعمال مجرمانه صرف نظر از ملیتشان، مشمول رژیم جبران خسارت می‌شوند که شامل ترمیم خسارات ناشی از ناملایمات متحمل، از دست رفتن درآمد و عدم‌النفع ناظر به آینده است.

طرح‌های محلی کمک به بزه‌دیدگان که وزارت کشور بودجه آن را در قالب کمک مالی به یک نهاد ملی افتخاری تأمین می‌کند، ۹۷٪ جمعیت انگلستان و ویلز را در برمی‌گیرد و به بزه‌دیدگان به صورت فردی کمک و مشاوره می‌دهند. منشور بزه‌دیده^۱ که در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است، حقوق بزه‌دیدگان را معین می‌کند و توضیح می‌دهد که بخش‌های مختلف عدالت کیفری چگونه باید با آنها رفتار کنند.

وقتی تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا) از به جریان انداختن تعقیب صرف نظر می‌کند، بزه‌دیده می‌تواند دعوایی به عنوان مدعی خصوصی در دادگستری طرح بنماید، لیکن این موضوع به ندرت اتفاق می‌افتد. دادگاه‌ها در احکام محکومیت صادره می‌توانند صرفاً به جبران خسارت حکم دهند یا جبران خسارت را همراه با اقدامات دیگر در حکم قید نمایند. چنین احکامی در سال ۱۹۹۱ به وسیله دادگاه‌های صلح برای حدود ۱۵٪ از پرونده‌های مطروحه و به وسیله دادگاه جزا برای ۱٪ از موارد مطروحه صادر شده است.

۱۲- کمیسیون سلطنتی عدالت کیفری

کمیسیون سلطنتی در مارس ۱۹۹۱ به منظور بررسی همه جانبه نظام عدالت کیفری در انگلیس و ویلز ایجاد شده است.

مأموریت کمیسیون عبارت است از؛ ارزیابی و بررسی نظام عدالت کیفری در انگلستان و ویلز و سنجش و حصول اطمینان از توانایی آن در خصوص محکوم کردن افراد مقصر و مجرم و تبریئه کردن افراد بی‌گناه، با توجه به امکانات و منابع موجود آن. کمیسیون مزبور می‌تواند در صورت نیاز در قلمروهای زیر نیز اصلاحاتی را پیشنهاد نماید:

- ۱- هدایت جریان تحقیقات پلیسی و نظارت مأمورین ارشد پلیس بر آنها، و به ویژه کیفیت نظارت این مأمورین بر تحقیقات مزبور و نحوه جمع‌آوری و آماده کردن دلایل،
- ۲- نقش دادسرا در نظارت بر جمع‌آوری دلایل و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تبادل اطلاعات مکاتبه به وکیل متهم، حتی اطلاعاتی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد،
- ۳- نقش کارشناسان در دعاوی کیفری، مسئولیت آنها در قبال دادگاه‌ها، دادستان و وکیل، و روابط میان بخش‌های مختلف پزشکی قانونی و پلیس،
- ۴- ترتیبات حقوق دفاع از اشخاص متهم و دسترسی به مشاور حقوقی و نظریه کارشناس،
- ۵- فرصت‌های موجود برای متهم جهت بیان موضع خود راجع به موارد اتهام، و حدودی که دادگاه‌های ممکن است برداشت‌های صحیح خود را از وقایع اولیه بنمایند. رفتار متهم و قصور وی در استفاده از فرصت برای اظهار موضع خود،
- ۶- اختیارات دادگاه‌ها در اجازه و هدایت شریکات دادسرا، امکان دادگاه‌ها در انجام تحقیقات قبل و در طی جریان محاکمه و بررسی‌های لازم قبل از محاکمه و وظیفه دادگاه‌ها در بررسی دلایل از جمله دلیل اقرار تایید نشده،
- ۷- نقش دادگاه استیناف در بررسی دلایل جدید در مرحله پژوهشی، شامل تحقیقات در خصوص ادعاهای جدید،
- ۸- ترتیبات برای ملاحظه و تحقیقات درباره ادعاهای مبنی بر وجود اشتباهات قضایی^۱ زمانی که حق و طرق تجدید نظر عادی اعمال و طی شده است.

۱۲- عملکرد نظام عدالت کیفری در انگلستان و ویلز (۱۹۹۱-۱۹۸۱)

۱۹۹۱	۱۹۸۶	۱۹۸۱	
۵۲۷۷	۳۸۴۹	۲۹۶۴	جرایم ثبت شده به وسیله پلیس - (به هزار)
۲۹	۳۲	۳۸	جرایم روشن شده (به درصد)
			اشخاصی که مجرم تشخیص داده شده‌اند یا رسماً به آنها ابلاغ صورت

			گرفته است* (به هزار)
۱۰۵	۱۴۲	۱۷۴	- بین ۱۰ و ۱۶ سال
۱۳۰	۱۲۶	۱۳۹	- بین ۱۷ و ۲۰ سال
۲۸۱	۲۵۲	۲۶۰	- از ۲۱ سال به بالا
۳۵	۳۹	۴۵	محکومیت به جریمه (به درصد)
			محکومیت به حبس (به درصد)
۷/۶	۱۰/۶	۱۱/۱	- بین ۱۰ و ۱۶ سال
۱۳/۴	۱۹/۰	۱۷/۲	- بین ۱۷ و ۲۰ سال
۱۶/۵	۱۹/۲	۱۵/۹	- از ۲۱ سال به بالا
۴۵/۹	۴۶/۸	۴۳/۴	جمعیت کیفری (زندان ها) (به هزار)
۱۰/۲	۱۰/۱	۷/۱	- متهمین (زندانی)
۳۵/۴	۳۶/۶	۳۶/۰	- محکومیت (زندانی)
٪۳۸	٪۲۴	٪۳۰	- غیر کیفری
۲۰/۵	۱۸/۲	۱۶/۷	مدت متوسط مجازات**

الف. جرائم ثبت شده به وسیله پلیس

استفاده از آمارهای جرائم ثبت شده، روش اصلی برای اندازه گیری تعداد جرائمی است که پلیس باید به آنها پردازد. با این حال ممکن است اتفاق بیفتد که پلیس در جریان پاره‌ای از جرائم قرار نگیرد یا آنها را ثبت ننماید. برآوردهای به عمل آمده از مطالعات و تحقیقات پیرامون جرم در بریتانیای کبیر^۱ برای سال ۱۹۹۱ و سال‌های قبل از آن که مبتنی است بر مصاحبه‌هایی با صاحبان منازل، حاکی از آن است که افزایش میزان جرائم واقعی (بزهکاری واقعی) کمتر است از میزان جرائم ثبت شده به وسیله پلیس، با این قید که فقط $\frac{1}{4}$ از تمامی جرائم به وسیله پلیس ثبت می‌گردد.

* Indictable Offences Only

فقط شامل جرائم قابل کیفرخواست است.

** Adult Males at the Crown Court

بزرگسالان مذکر در دادگاه جزا را شامل می‌شود.

در سال ۱۹۹۱ پلیس ۵/۳ میلیون جرم ثبت نموده است که ۹۴٪ آن علیه اموال، ۵٪ آن توأم با خشونت و ۱٪ بقیه شامل سایر جرائم می‌باشد. تعداد کل جرایم ثبت شده در سال ۱۹۹۱ بیشتر از سال ۱۹۹۰ بوده است و افزایشی معادل ۱۷٪ را در ۱۹۹۰ نشان می‌دهد و در عوض افزایش سالیانه متوسط میان ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ تنها ۵٪ بوده است. جرائمی که موضوع آن وسایل نقلیه است، اندکی کمتر از $\frac{1}{3}$ کل افزایش میان ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ را نشان می‌دهد.

سرقت اندکی بیش از نصف جرائم ثبت شده را تشکیل می‌دهد، که اکثر آنها سرقت‌های خودرو و یا سرقت‌های از داخل خودرو است که بیش از $\frac{1}{4}$ جرائم می‌باشد، سرقت از منازل که عمدتاً سرقت اموال کم ارزش است، $\frac{1}{6}$ دیگر از کل جرائم را تشکیل می‌دهند.

در سال ۱۹۹۱ تعداد ۲۶۵/۰۰۰ جرم توأم با خشونت ثبت شده است که ۷۲٪ آن ایراد صدمه، ۲۳٪ سرقت از وسایل نقلیه و ۱۱٪ جرائم جنسی بوده است. ایراد صدمه در سال ۱۹۹۱ افزایشی معادل ۳٪ را نشان می‌دهد. این رقم مشابه افزایش سال ۱۹۹۰ می‌باشد، افزایش متوسط ۲٪ در سال‌های بین ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ بوده است. معذک بیش از ۹۰٪ این جرایم، جرم‌های کم اهمیت بوده است. جرایم جنسی در سال ۱۹۹۱ فقط ۱٪ افزایش نشان می‌دهد، اگر چه تجاوز به عنف افزایشی معادل ۱۹٪ را به خود دیده است. معذک این اندیشه وجود دارد که افزایش تجاوز به عنف تا حدودی ناشی از نسبت بالاتر شکایات مربوط به ارتکاب این جرم است.

در سال ۱۹۹۱ تکلیف ۲۹٪ از کلیه جرایم به رسیدگی پلیس روشن شده است، حال آنکه این درصد در ۱۹۹۰ شامل ۳۲٪ و در ۱۹۸۹ شامل ۳۴٪ می‌شده است. در میان جرایم روشن شده، ۵۰٪ منجر به اتهام یا احضار متهم به علت ارتکاب یک جرم بوده است، ۱۱٪ منجر به اخطار رسمی شده است، ۱۵٪ مربوط به جرایمی بوده است که مورد توجه و رسیدگی قرار گرفته است، ۱۶٪ به دنبال مصاحبه‌هایی با محکومین زندانی بوده است و ۸٪ اخطار غیررسمی بوده یا آنکه هیچ اقدام دیگری صورت نپذیرفته است.^۱

۱. از نظر جرم‌شناسی هنگامی که جرائم ارتكابی و مباشران آنها كشف و دستگیر نشده‌اند از «رقم سیاه» یا بخش تاریک برهکاری سخن می‌گویند و هنگامی که جرائم ارتكابی كشف شده لیکن مباشران آنها مورد شناسایی پلیس قرار نگرفته و دستگیر نشده‌اند «رقم خاکستری» یا بخش نیمه تاریک برهکاری نامیده می‌شوند.

ب. بزهکاران

در سال ۱۹۹۱ حادثه‌ترین دوره سنی بزهکاری برای بزهکاران مذکر بین ۱۵ تا ۱۸ سال و برای بزهکاران مؤنث، در سن ۱۵ سالگی بوده است. این آمار مبتنی است بر تعداد مجرمین محکوم شده به وسیله دادگاه و یا مجرمینی که پلیس رسماً، به خاطر ارتکاب جرائم قابل کیفرخواست، نسبت به آنها اخطار صادر کرده است. در سال ۱۹۹۱، تقریباً ۴۶٪ از کل بزهکاران شناخته شده کمتر از ۲۱ سال داشته‌اند. در این سال ۷۹٪ از نوجوانان بزهکار (سنین بین ۱۰-۱۶ سال) رسماً اخطار دریافت نموده‌اند، ۲۸٪ از نوجوانان بین ۱۷ تا ۲۰ سال و ۲۲٪ از آنها بیشتر از ۲۱ سال داشته‌اند. اصلاحات و ابتکارهای اخیر شامل ایجاد کمیته‌های رابط نوجوانان در مناطق مختلف، موجب افزایش صدور اخطار رسمی به آنها شده است. این موضوع منجر به استفاده از سایر روش‌های غیررسمی‌تر رفق و رفیق امور نوجوانان بزهکار خارج از نظام مرکزی عدالت کیفری شد. می‌توان امیدوار بود که ابتکارهای اخیر دولت اجازه خواهند داد تا صدور اخطار رسمی به بزهکاران مسن‌تر نیز تسری داده شود.

ج. مجازات‌ها

مجازات‌ها را می‌توان در چند دسته بررسی کرد:

جزای نقدی: جریمه رایج‌ترین مجازات محسوب می‌شود: ۸۴٪ از بزهکاران محکوم شده به خاطر تخلفات قابل محاکمه به صورت اختصاری به غیر از جرائم راهنمایی رانندگی، و ۹۳٪ از اشخاص محکوم در رابطه با جرائم راهنمایی رانندگی به پرداخت جریمه محکوم شده‌اند.

برای جرائم قابل کیفرخواست (شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست) جریمه رایج‌ترین مجازات می‌باشد، لیکن تنها ۳۵٪ از محکومیت‌ها را شامل می‌شود. از آغازین سال‌های دهه ۱۹۷۰، جریمه برای جرائم قابل تعقیب بر اساس کیفرخواست به نحو چشم‌گیری کاهش یافته است.

سلب آزادی: در طول سال‌های اخیر، تعداد محکومیت‌های زندان و نیز استفاده از مجازات حبس دادگاه‌های صلح و جزا به نحو قابل توجهی کاهش یافته است. در دادگاه‌های صلح استفاده از کیفر زندان برای جرائم قابل کیفرخواست از ۸۱٪ در ۱۹۸۶ به ۵۳٪ در ۱۹۹۱ و در دادگاه جزا از ۵۲٪ به ۴۴٪ در همین سال تقلیل یافته است.

نسبت کمی از این کاهش (۱ تا ۲ درصد) نشانگر طبقه‌بندی مجدد بعضی از جرائم در اکتبر ۱۹۸۹ بوده است (برای مثال: نقض ممنوعیت رانندگی وسیله نقلیه موتوری) که بعضی از جرائم قابل کیفرخواست را به جرائم اختصاری تبدیل نموده است. چنین کاهش‌هایی در مورد جوانان بین ۱۴ تا ۱۷ سال بیشتر قابل توجه بوده است: تعداد محکومیت‌های حبس از ۴۵۰۰ در ۱۹۸۶ به ۱۹۰۰ مورد در ۱۹۹۱ و برای جوانان ۱۷ تا ۲۱ سال از ۲۲۴۰۰ به ۱۵۱۰۰ مورد کاهش یافته است.

سال‌های اخیر شاهد افزایش تدریجی مدت کیفرهای حبس تحمیلی به مجرمین خشن و به ویژه افزایش سریع مدت مزبور نسبت به مرتکبین تجاوز به عتف از ۴ سال در ۱۹۸۴ به ۶ سال در ۱۹۸۸ بوده است. افزایش‌های دیگری نیز که ناشی از توسل به مجازات‌های غیر سالب آزادی برای جرایم نسبتاً کم اهمیت است نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، مدت متوسط مجازات اعلام شده در احکام دادگاه‌های صلح حدوداً ۲/۶ ماه و در احکام دادگاه‌های جزا ۲۰/۵ ماه است. مدت متوسط مجازات‌های اعلام شده در احکام دادگاه‌های جزا برای سرقت از منازل ۱۶ ماه، برای سرقت مسلحانه ۴۸/۳ ماه، برای ضرب و جرح ۱۹/۵ و برای جرائم مرتبط با مواد مخدر ۳۲/۶ ماه بوده است.

اقدام‌های غیر سالب آزادی: حدود ۱۰٪ از مرتکبین جرائم قابل کیفرخواست، موضوع قرار تعلیق مراقبتی و ۹٪ موضوع قرار انجام کارهای خدمات عمومی و عام‌المنفعه واقع شده‌اند و بالاخره ۱۹٪ از آنها تبرئه شده‌اند.

نتیجه کاهش اخیر در تعداد احکام محکومیت حبس این بود که دادگاه‌های جزا به جای کیفر زندان، به طور چشم‌گیری از کارهای عمومی و عام‌المنفعه و یا تعلیق مراقبتی در احکامشان استفاده کرده‌اند، در حالی که دادگاه‌های صلح بیشتر احکام تبرئه و آزادی متهمین را صادر نموده‌اند، که بدین ترتیب شاهد یک حرکت عمومی برای بر کاهش مجازات تعیین شده هستیم.

د. جمعیت کیفری (جمعیت زندان‌ها)

جمعیت زندان‌ها با افزایش روبه‌رو بوده است و به طور متوسط از ۴۳۰۰۰-۴۴۰۰۰ در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۴ به رقم ۴۹/۰۰۰ در ۱۹۸۸ افزایش یافته است. این جمعیت در ۱۹۹۰ به ۴۵/۶۰۰ کاهش یافته و در ۱۹۹۱ با افزایش اندکی به ۴۵/۹۰۰ زندانی رسیده است.

ترکیب جمعیت متوسط کیفری در ۱۹۹۱ به این شرح است:

۳۵۴۰۰ نفر محکوم، ۱۰۲۰۰ محاکمه نشده یا در حال محاکمه (متهم)، ۳۰۰ زندانی غیرکیفری، حدود ۵۷۰۰ زندانی از جنس مذکر کمتر از ۲۱ سال و حدود ۱۶٪ از اقلیت‌های نژادی، که در مقایسه، کمتر از ۵٪ کل جمعیت کیفری از اقلیت‌های نژادی هستند. در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۷٪ از متهمین زندانی، ۱۴٪ از محکومین جوان مذکر و ۱۶٪ از محکومین بزرگسال مذکر جزو گروه‌های نژادی اقلیت بوده‌اند. جمعیت کیفری در سال ۱۹۹۱، دو هزار نفر بیشتر از تعداد پیش‌بینی شده به عنوان تعداد عادی زندانی^۱ با توجه به ظرفیت زندان‌ها در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۱ بوده است. به همین جهت برنامه فشرده‌ای برای ساخت مؤسسات زندان در دست اجرا است تا محل‌های بیشتری در اختیار سازمان زندان‌ها گذاشته و از تراکم جمعیت کیفری کاسته شود.